

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد و سپاس فزون از حیطة قیاس شایسته نثار بارگاه جلیل الشان خاقانی است که خواقین با عز و تمکین بر در که بی نیازش روی نیاز بر خاک مذلت نهد زهی توانا خالق یگانه که بی معاونت غیرو یگانه بامری اینهمه خلق کرده که بعمری تجدیدش ندانند و تعدادش نتوانند فسیحان الله مالک الملک از ماعوظین سلاطین پدید آرد و از صلب سلاطین خواتین و از بطن خواتین خواقین همچنین از هردانه خوشه پدید آرد و از هر خوشه منی و از هر منی خرمنی در هردانه هزار خرمن حکمتش پنهان است و از هر غنچه هزار کلشن ابداعش عیان مشاطه قدرتش چهره عروسان چمن را بمینت کلگونه و غازه کلکون و تازہ سازد و قابله تربیش نباتات را در مهد زمین بیوردد و بناواز و بانوی خوبروی مهر را بر منظر عالی سپهر نشانیده و از دختران اختران بزم سماء را مزین گردانیده که انارینا السماء الدنيا

یزینت الکواکب در معرفتش هر حجتی حجابیست و هر دلیلی نقابی نورش برهان هر دلیل است و در دشت در مان هر علیل ای که عالم مظهر نورست و آفرینش مرآت ظهور تو جز شکر تو گفتگو نشاید و آنهم که ز هیچکس نیاید نعماء ترا شمار که تواند که بر هر نعمتی شکری بخواند دفتر از گفته بشوئیم که خاموشی ما خوش زبانیست که غیر از تو کسش آ که نیست همان به که هر نفس صلوات و تحیات بلا نهایت نثار روح کثیر الفتح خواهد کاینما و فخر موجودات اعلی حضرت ختمی مرتبت و آل اطهار او نمائیم که ما را از وادی بنی و ضلال رها نیندند و بقرب وصال رسانند .

# تاریخ عضدی

شرح حال زنان و دختران و پسران و متضمن سی و هشت  
سال سلطنت و نوادراحوال فتحعلی شاه قاجار

تالیف شاهزاده عضدالدوله

بسرمايه و سعی و اهتمام :

حسین کوھی کرمانی

مدیر روزنامه نسیم صبا



# تاریخ عضدی

شرح حال زبان و دستان و سپهرن

و متضمن سی و هشت سال سلطنت

و نوادراحوال فتحعلی شاه قاجار

تالیف شایسته احمد میرزا عضد الدوله

بسعی و اهتمام و سرمایه

حسین کوهی کرمانی  
مدیر روزنامه نسیم صبا

بهاء ۵۰ ریال



## بنام ایزد یکتا

کتابی که از نظر خوانندگان میگذرد از چند جهت نهایت اهمیت را دارد بمطالب تاریخی مهمی در این کتاب برخورد میکنید که بغیر از این کتاب در هیچ کتاب دیگری نمیتوانید پیدا کنید.

این کتاب تألیف شاهزاده احمد میرزای عضدالدوله پسر فتحعلیشاه قاجار پدر بین الدوله است که به نحو بسیار خوبی اوضاع دربار پدر خود و صفات و احوال و کارهای آغامحمدخان را شرح میدهد مخصوصاً از قساوت قلب و لثامت طبع سرسلسله قاجاریه مطالب مهمه را در بر دارد. این کتاب در سال ۱۳۰۴ هجری قمری تألیف و در سال ۱۳۰۶ در بمبئی بخرچ جناب سرسلطان محمد آقاخان معروف بمحلاتی چاپ سنگی شده است اخیراً این کتاب خیلی کمیاب شده چنانچه نسخه پیدا میشد بقیمت بسیار گران خریداری میگردد حتی نسخه ای تا صد تومان (یکهزار ریال) رسید این شد که تصمیم بر چاپ این کتاب گرفتم که بقیمت ارزان در دسترس طلبان کتاب تاریخ قرار گیرد

علی ای حال بعقیده بنده و بسیاری از کسانی که این تاریخ را دیده و خوانده اند یکی از بهترین کتابهای است که در زمان قاجاریه تألیف شده است.

اولاً از حیث انشاء بسیار سلیس و روان و بی تکلف تحریر شده است و دارای مطالب تاریخی مهمی نیز میباشد و شرح حال دربار فتحعلیشاه

و تعداد زنها و دخترها و پسرها و نوهها و نتیجه های آن پادشاه عیاش خوشگذران مثل اینکه خدا برای خوشگذرانی و عیاشی خلق کرده است نه برای پادشاهی کشوری مثل ایران که هزاران سال تاریخ دارد و نور علم و تمدنش بر تو افکن بدینا بوده است.

از مطالعه این کتاب خیلی چیزها میشود فهمید تعداد زوجات زیاد و دخترهای بی شماری که از این زنان یا برضه وجود میگذاشتند و قتی بسن رشد میرسیدند لابد شوهر میخواستند.

البته دختران پادشاه باید شوهرانشان هم مردمان متشخص و متعین باشند این موضوع سبب شد که تمام فامیل های بزرگ ایران با خوانواده سلطنتی وصلت کنند.

و بنام این شاهزاده خانمها جواهرات بعنوان جهیز از خزانه دولت داده میشد مثلاً شما از مطالعه این کتاب میفهمید که میرزا حسین خان سپهسالار و بانی مسجد سپهسالار باغ بهارستان نوه دختری فتحعلی شاه است و یا حسنعلی خان کروسلی امیر نظام که مستغنی از توصیف است نیز نوه دختری فتحعلی شاه است همچنین خیلی از رجال بزرگ ایران

خیلی خوشمزه است گاهی که برای دخترانی که بجد رشد رسیده و شوهر پیدا نمیشد خود فتحعلی شاه بزبان می آمد.

مثلاً یکروز به میرزا قاقان صدراعظم میگوید مگر تو نمیخواهی با خوانواده سلطنت وصلت کنی با کمال ادب عرض میکند ما برای خدمت گذاری بخوانواده سلطنت آماده هستیم نه برای وصلت

آخر الامر یکی از دخترانش را گویا به میرزا داد و دخان پسر میرزا آقاخان داد که در متن همین کتاب میخوانید

ماحصل اینکه یکی از کتبی که لازم بود در دسترس عموم قرار گیرد همین کتاب است من خوشوقت هستم که این خدمت تاریخی بدست



که هر گاه وارد مجلس میشد خانمی که حضرت خاقانی را مشت و مال میکرد علی الفور برمیخواست با این شئونات تاج الدوله مکرر دیده شده که هروقت آغا باجی دختر مرحوم ابراهیم خان شیشه وارد اطاق میشد و تاج الدوله نشسته بود و خاقان مغفور را میمالید با کمال اعتبار و جوانی که داشت در ورود این پیرزن محترمه برمیخواست و آغا باجی می نشست دست تاج الدوله را می گرفت به مهر بانی تمام در پهلوی دیگر حضرت خاقانی می نشاند.

این دختر ابراهیم خان خیلی با اوضاع و تجمل بخانه حضرت خاقانی آمد لکن از شدت تکبر که مبادا در نزد او سرموئی خلاف ادب از کسی واقع شود غالباً در قصاصهائی خود در امامزاده قاسم می نشست بعد قهر با او دادند زیاده بردوست یفر عملجات شخصی او که از قراباغ همراه آورده بود و همه مردمان متشخص رشید بودند مبلغی از مالیات قم بآنها بطور سیورغال مرحمت شد ملک بیگ که از بزرگان قراباغ بود وزارت آغا باجی را داشت آقا بهرام خواجه محترم معروف از خواجهگان او بود کی کاوس میرزا و مرصع خانم را برسم پسر و دختری باو دادند باین معنی که خواهرزاده آغا باجی را برای کسی کاوس میرزا آوردند و مرصع خانم را بعباسقلیخان معتمد الدوله نامزد کردند در حقیقت این دو شاهزاده عروس و داماد اوشدند با همه احترامات شخصی از اول که به خانه خاقان میروند آمد هیچ طرف تمیل نشد شب زفاف قبل از صبح حضرت خاقانی بدون مضاجعت که با حالت جوانی آنحضرت و میل بطرف نسوان عجیب می نمود از اطاق بیرون آمده فرمایش کرده بودند که دختر ابراهیم خان بنظرم مانند ما آمد آغا باجی تا با آخر عمر همین طور با کره ماند گویند صبح آن شب عربزه بطور کله حضرت خاقانی فرستاد که در عنوان این شعر ترکی غیر موزون را نوشته بود.

یارم گجه گلدی گجه قالدی گجه گیتدی هیچ بیلدم عمرم نیجه قالدی نیجه گیتدی

مادر ملک قاسم میرزا - خوش نما خانم - تقیه با دام خانم - پریخان -

نوش آفرین

از این طبقه زنان نجیبه هیچیک طرف میل واقع نشده بودند مگر دختری امام قلیخان افشار ارومی مادر مرحوم ملک قاسم میرزا بقدری خوشخوی و باسلوک بود که ابتدا ملاحظه شان نمی نمود رضای حضرت خاقانی را بر همه چیز ترجیح میداد چنانچه چند نفر از خدمتگاران خود را با ضمیمه تدارکات لایقه حضرت خاقانی پیش کش کرد و اکثر آنها مادر شاهزاده واقع شدند که از جمله آنها خوش نما خانم مادرزن سپهدار است و تقیه با دام خانم مادر شاهزاده الهوردی میرزا و پریخان ملقبه سردار خانم مادر ملک ایرج میرزا و غیره دیگر از این طبقه اولی (نوش آفرین خانم) هم طرف محبت خاقانی واقع شده است برج نوش (۱)

(۱) برج نوش در نزدیکی عمارت بانگسلی خیابان فردوسی بوده است

یکنفر یساول زنانه درب اطاق های آنها با آواز بلند این عبارت ترکی را می گفت (خانم لار کلیز) خانها منتظر وقت و گوش بر آواز یساول بودند و بسلام می آمدند دیگران در آن ساعت مطلقاً حق حضور و تشرف نداشتند بهر یک ظهار مرحمت میفرمودند از بعضی تفقد احوال کسان آنها میشد اگر مطلبی داشتند عرض میکردند.

سرف قاجاریه (آسیه خانم) مادر نایب السلطنه مرحوم خواهر امیرخان سردار بود که زن معقوده دائمه حضرت خاقانی بود دیگری بدر النسا خانم دختر مصطفی خان عموی خاقان - معقوده دیگر مادر ملک آرا خواهر مرحوم سلیمان خان اعتضاد الدوله بود چهارم دختر شیخ علی خان زنده مادر شیخ الملوك که چون از سلسله قاجار نبود در صف بزرگ زادگان جای داشت معروف است که حاجیه بدرن از حضور در این سلام اگر اه داشت که زیر دستن همشیره مرحوم امیرخان سردار بایستد و میگفت من قوانلو هستم زبردست (دوللو) نمیاید واقع شوم این منازعه و بعضی جهات دیگر بعدی رسید که حاجیه بدرن خانم بی اجازت از حرمخانه خاقانی بخانه پدر رفت و گویند مطلقه شد چون یکی از خواهرانش در حباله علی تقی میرزای رکن الدوله بود او بطور قرزندگی رسیدگی بکارهای صیبه مرحوم مصطفی خان میکردشان این نتیجه محترمه بدرجه بود که زمان وفات پدرش بحضرت خاقانی عرض و پیغام داد که یکی از حقیقه های سلطنتی را بدید بر سر عمارت عموی شاهنشاه بزنم حضرت خاقانی از انجام مراد مضایقه فرمود بدرن خانم تمام حضور یافته گانرا جواب کرده گفت تاجیه خاقانی نباید جنازه خانی از خانه بیرون نخواهد رفت و بالاخره با مر خاقان مغفور (آغا مکمل) که از خواجه سرایان زنان آقا محمد شاه بود جیقه زمرد مشهور جیقه نادری را با نهایت احترام برده سر جنازه زدند باین همه احترام که از او منظور میشده بر آسیه خانم نتوانست مقدم بایستد زیرا که خاقان شهید رتبه والده و لیعهد مرحوم را بجای رسانیده بود که در آن مقام گفتگوی (یوخاری باش) و (آشاقه باش) ممکن نبود بدرن خانم هم بسیار غیور و باخشونت بود بهین جهت فراق اختیار کرد با طلاق گرفت وضع این سلام از زمان خاقان شهید تا وفات مهدعلیای بزرگ مادر حضرت خاقانی خیلی منظم بود بعد از آن رفته رفتند بعضی از آن زوجات محترمت و بزرگ متفرق شدند مادرهای شیخ الملوك و ملک آرا نزد پسرهای خود رفتند مادر نایب السلطنه وفات یافت بزرگ زادگان و دیگر پدرانشان از اعتبار افتادند بالاخره تا سال دهم سلطنت خاقانی این سلام متروک شد ولی از این طبقه ذوی البسوت هو که باقی مانده بود همان احترام را داشت چنانچه رسم خاقان مغفور آن بود که در حرم خانه همیشه یکی از زنان پشت آنحضرت را میمالید.

تاج الدوله - آغا باجی

مرحومه تاج الدوله در زمانی که احتراماتش اوج ترقی یافت مقرر بود